انترناسیونال 759

**اعتراضات در خوزستان و تحرک ناسیونالیسم عرب!**

**گفتگوی نشریه سهند با محسن ابراهیمی دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری**

**سهند: خوزستان صحنه اعتراضات وسیعی شده است. مشخصا چه اتفاقی جرقه این اعتراضات را زده است؟**

**محسن ابراهیمی:** شبکه دوم صدا وسیما در جریان یک برنامه کودکان تحت عنوان "کلاه قرمزی" نقشه ایران را نشان میدهد؛ در روی نقشه هر منطقه عروسکی با لباس محلی آن نمایان میشود اما منطقه خوزستان با عروسکی با لباس بختیاری معرفی میشود و این جرقه اعتراضات وسیعی میشود که هنوز هم ادامه دارد. هزاران زن و مرد در این اعتراض شرکت میکنند و طبق معمول با هجوم وحشیانه نیروهای امنیتی و انتظامی حکومت اسلامی مواجه میشوند.

این هم البته یکی ازپدیده های جالب توجه درجمهوری اسلامی است که هر از گاهی در برنامه کودکان این یا آن بخش از مردم در ایران را تحقیر میکنند و به تحریکات ناسیونالیستی دست میزنند! سال 1385، درصفحه کودکان روزنامه دولتی ایران مردم آذربایجان را به سوسک تشبیه میکنند. سال1394 در شبکه دوم صدا و سیمای جمهوری اسلامی در برنامه ای خطاب به کودکان به نام هتل فتیله به اطلاع جهانیان میرسانند که ترک زبانها فرق مسواک و فرچه توالت را نمیدانند. و امروز باز هم در برنامه کودکان به تحریک ناسیونالیستی علیه چند میلیون شهروند در جامعه دست میزنند.

**سهند: در رسانه های اجتماعی متعلق به دستجات ناسیونالیست عرب روی این میکوبند که "عربها" در اعتراض به"کتمان هوقت قومی عربها" به میدان آمده اند؟ در این مورد چه میگویید؟**

**محسن ابراهیمی:** این دقیقا همان است که جمهوری اسلامی دنبال میکند.اینجا تفسیر و تلاش ناسیونالیستها و خواست و هدف جمهوری اسلامی با هم منطبق شده اند. هر دو یک هدف دارند: خلل وارد کردن به اعتراضات رادیکال و مدرن و انسانی و برابری طلبانه ای که در قیام دی 96 از جمله در خوزستان اوج گرفت و با اعتراض قدرتمند کارگران نیشکر هفته تپه و کارگران صنایع فولاد ادامه دارد.

جمهوری اسلامی و ناسیونالیسم عرب تلاش میکنند اعتراض حق طلبانه مردم علیه جمهوری اسلامی در سراسر ایران و اینجا مشخصا خوزستان را به جنگی میان کرد و ترک و عرب و بلوچ و فارس و غیره و اینجا مشخصا میان "عربها و فارسها" تبدیل کنند.

هدف جمهوری اسلامی معلوم است. جمهوری اسلامی از کابوس قیام دیماه رها نشده است. قیامی که نمایشی قدرتمند از اعتراض متحدانه نزدیک 100 شهر بود. به هم زدن این اتحاد برای جمهوری اسلامی حیاتی است. خیمه شب بازی شنیع با عروسکها در یک برنامه کودکان میتواند حرکتی آگاهانه در این جهت باشد.

هدف ناسیونالیستها هم روشن است. ناسیونالیستها از هر نوعش همیشه روی تقسیم جامعه به اقوام و ملتها و مرکزیت دادن به این تقسیم بندی حساب میکنند. هر چقدر تعداد بیشتری در جامعه خود را با هویت قومی وملی تعریف کنند همانقدر ناسیونالیسم احساس قدرت میکند. به این اعتبار ناسیونالیستها هر اتفاقی را که به این هدف کمک کند روی هوا میقاپند. در اتفاقات خوزستان هم ناسیونالیستها همین هدف را دنبال میکنند.

صدا و سیمای جمهوری اسلامی آن چیزی را به ناسیونالیسم قوم پرست عرب هدیه کرده است که دنبالش بود. مثل همیشه اینجا هم ارتجاع به ارتجاع خدمت میکند. ارتجاع اسلامی ارتجاع ناسیونالیستی را تغذیه میکند.

مردم معترض چطور؟ مستقل از شعارهای مختلف در این اعتراض یک چیز روشن است. مردم به بهانه عروسکها در نقشه ایران، نفرت چهار دهه ای شان از حکومتی را ابراز میکنند که زندگی میلیونها انسان در این نقشه را تباه کره است. اعتراض در خوزستان انفجار بشکه باروت خشم و نفرت تلنبارشده در میان مردم است که منتظر یک جرقه بود. نمایش مضحک صدا و سیما با عروسکها نقش این جرقه را بازی کرد.

**سهند: وقتی می بینیم به بهانه قرار دادن عروسکی با لباس بختیاری در منطقه خوزستان مردم در مقیاس هزاران نفره به خیابان میایند، آیا این به اندازه کافی گواه این نیست که اعترضات مردم رنگ و بوی قومی دارد؟**

**محسن ابراهیمی:** در شرایطی تبلیغات فاشیستی و ناسیونالیستی ممکن است مردم تحت ستم را دنبال خود بکشد و به نیروی یک جنبش ارتجاعی تبدیل کند. تاریخ تحولات سیاسی نمونه های زیادی برای اثبات این واقعیت دارد. در اتفاقات اخیر خوزستان حتما عده ای هم به خاطر تبغیضهای حکومتی بر مبنای قومیت و ملیت و هم به خاطر فضای تبلیغاتی قومپرستان عرب میتوانند اسیر تلقیات قومپرستانه شده باشند. اما در این تردیدی ندارم که اکثریت مردمی که در خوزستان به خیابان آمده اند دارند علیه یک حکومت تبعیض گر اسلامی، علیه فقر و محرومیت و ابعاد وسیع بیکاری، علیه دستمزدهای دزدیده شده و حقوقهای معوقه، علیه خشک شدن رودخانه ها و تالابها، علیه تخریب و ویران کردن محیط زیست، علیه تحقیر و تبعیض سیستماتیک در مورد زنان، علیه محرومیت از تحصیل به زبان مادیی و کلا علیه بی حقوقی مفرطی که جمهوری اسلامی بر اکثریت مردم تحمیل کرده است اعتراض میکنند.

**سهند: در باره شعار "ما همه عرب هستیم" در تظاهرات نظرتان چیست؟ آیا همین شعار کافی نیست که این را یک حرکت ناسیونالیستی دانست و از آن دفاع نکرد؟**

**محسن ابراهیمی:** "من عرب هستم" با هر هدفی گفته شود شعار سیاسی درستی نیست و باید از آن اجتناب کرد. این شعار یکجوری افتادن به همان دامی است که جمهوری اسلامی پهن کرده است و ناسیونالیسم قوم پرست به پهن کردن این دام کمک میکند. این شعار ابدا مطالبات برحق مردم تحت ستم در خوزستان را منعکس نمیکند.

اما به نظرم به این شعار باید از جنبه های مختلفی نگاه کرد.

از نقطه نظر جمهوری اسلامی راه افتادن چنین شعاری در متن یک اعتراض علیه یک ارگان حکومتی بسیار خوشحال کننده است. آنهم در نقطه ای از ایران که شاهد اعتراضات بسیار گسترده و پیشرو کارگری است. جایی که کارگران پتروشیمی ها، صنایع فولاد و نیشکر نبردی شجاعانه علیه سرمایه داران حاکم و حکومتشان را پیش میبرند. جایی که اتفاقا کارفرماها و حامیان حکومتیشان خیلی تلاش کردند میان کارگران بومی و غیربومی تفرقه بیاندازند و موفق نشدند.

از نقطه نظر ناسیونالیسم عرب این شعار بسیار جذاب است. چرا؟ چون مبنایش تقسیم بندی انسانها بر اساس قومیت است. و تقسیم بندی انسانها بر اساس قومیت یک رکن ایدولوژیک و هویتی برای هر جریان ناسیونالیستی است. اصلا دکان این جریانات ارتجاعی زمانی رونق میگیرد که در خودآگاهی اجتماعی وسیاسی اکثریت مردم تقسیم بندی قومی و ملی جای تقسیم بندی طبقاتی، جای هویت طبقاتی و جای هویت انسانی را بگیرد.

در میان مردم معترض چطور؟

به نظرم برای خیلی از معترضین حتی این شعار قالبی برای اعتراض بر تبعیض و ستم تاریخی علیه خودشان است. منظورم این نیست که هیچ بخشی از آن مردمی که این شعار را دادند متاثر از رسوبات وتبلیغات ناسیونالیستی نیستند. اما به نظر من بخش مهمی از معترضین با این شعار به تبعیض سیستماتیکی واکنش نشان میدهند علیه شان هم در دوران سلطنت پهلوی و هم در جمهوری اسلامی اعمال شده است.

به تحقیر و توهین و تبعیض تاریخی و سیستماتیک ضد عربی توسط ناسیونالیسم ایرانی نگاه کنید. به ادبیات فاشیستی ضد عربی این ناسیونالیسم نگاه کنید. تقریبا هیچ صفت کثیفی نیست که این ناسیونالیسم علیه این مردم پرتاب نکره باشد. یادتان هست وقتی به بهانه آزار جنسی دو جوان ایرانی در جریان سفر حج توسط شرطه های عربستان، وزارت اطلاعات یک نمایش اسلامی – ناسیونالیستی در مقابل سفارت عربستان راه انداخت و چه شعارهایی دادند؟ یادتان هست در آن نمایش با سرود "ای ایران ای مرز پرگهر" و نعره "حیدر حیدر" در باره سربریدن عربها در کنار قبر کورش رجزخوانی کردند؟

در متن چنین زمینه تاریخی و سیاسی تعجب بر انگیز نیست که به بهانه یک برنامه مضحک نژادپرستانه، برنامه ای که یک جوری موجودیت یک جمعیت بزرگی از شهروندان جامعه را انکار میکند، مردم تحت ستم به خیابان میریزند و به حکومت فاشیست اسلامی تبعیضگر اعتراض میکنند و در این اعتراضشان به شعاری مثل "من عرب هستم" هم متوسل میشوند.

با همه اینها فعالین پیشرو اعتراضات باید تلاش کنند از هر شعاری که دست جریانات ناسیونالیستی را برای استفاده سیاسی باز میکند اجتناب شود و به جایش خواستهای واقعی مردم که در بالا به آنها اشاره کردم در قالب شعارهای روشن اعلام شود. نباید گذاشت تبعیض برمبنای قومیت باعث شود جامعه معترض به این تبعیض به هر قالبی که رنگ و بوی قومی میدهد پناه ببرد.

**سهند: ناسیونالیستهای ترک بیانیه داده اند که ظاهرا حمایت از این اعتراض است. نظرتان در این مورد چیست؟**

**محسن ابراهیمی:** از اعتراض مردم خوزستان علیه تبیعض نژادی و ملی باید حمایت کرد. اما ناسیونالیسم ترک از اعتراض مردم حمایت نکرده است. از تصویر ارتجاعی خودش از این اعتراض حمایت کرده است.

به این جملات از بیانیه حمایتی ناسیونالیستها ترک نگاه کنید:

"ملت عربی که دارای تاریخ و تمدنی پرافتخار هزاران ساله بوده و از فرهنگی غنی برخوردار است‌. ملتی که زبان شیرینش زبان قرآن کریم است. ملتی که فتوحاتش در تاریخ ماندگار است."

اولا به نظر میرسد ناسیونالیسم ترک مردم زحمتکش خوزستان را با پیغمبر اسلام و گشورگشاییها و جنایاتش عوضی گرفته است. و ثانیا باید پرسید که اگر مثلا زبان این مردم عربی نباشد، افتخار هیچ کشورگشایی هم به نامشان ثبت نشود، از آیه های نحس قران هم نفرت داشته باشند، آنگاه اعتراضشان شایسته حمایت نیست؟ سزاوار حقوق برابر و انسانی نیستند؟

اجازه بدهید در آخر روی این تاکید کنم که روشن است آن نیرویی که حرمت و انسانیت و حقوق انسانی مردم را زیر پا له میکند حکومت اسلامی است و برای رسیدن به هر درجه ای از آزادی و برابری و حرمت انسانی باید از شر این حکومت رها شد. اما یک کار بزرگ دیگری هم در مقابل جنبشهای پیشرو قراردارد. این کار مقابله با تلاشها و تحرکات مخرب انواع ناسیونالیستها در مقابل مبارزه بحق مردم است. خشک کردن سموماتی است این جریانات منظما در جامعه پخش میکنند.

منتشر شده در نشریه سهند شماره 13

20 فروردین 1397- 9 آوریل 2018